

## دیباچه

زدستم بر نمی‌خیزد که یک دم بی‌تو بنشینم به جز رویت نمی‌خواهم که روی هیچ‌کس بینم  
سعدیه، آرامگاه شیخ شرف‌الدین مصلح‌الدین سعدی شیرازی که امروز شیخ در آن  
آرمیده و زیارتگاه مشتاقان شعر و اندیشه‌اوست، در روزگار شیخ، خانقاه او بوده است.  
پس از درگذشت وی، برای نخستین بار در قرن هفتم، مقبره‌ای بر فراز قبرش توسط  
خواجه شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان وزیر معروف آباقاآن احداث شد. در سال ۹۹۸  
هـ.ق. نیز به حکم یعقوب ذوالقدر، حکمران فارس، خانقاه شیخ ویران شد و اثری از آن  
باقی نماند. در سال ۱۱۸۰ هـ.ق. به دستور کریم خان زند، عمارتی باشکوه از گچ و آجر  
بر فراز مقبره شیخ بنا شد. در دوره قاجاریه این بنا توسط فتحعلی خان  
صاحب‌دیوان مرمت شد و چند سال بعد نیز حبیب‌الله خان قوام‌الملک دستور تعمیر و  
ترمیم آن را صادر نمود. تولیت این بنابه آخوند ملا زین‌العابدین شیرازی سپرده شد.  
این بنا تا سال ۱۳۲۷ هـ.ق. برپا بود. در سال ۱۳۲۹ هـ.ق. علی‌اصغر حکمت با همیاری  
انجمن آثار ملی ایران، بقعه کنونی را ایجاد نمود. در سال‌های اخیر نیز تعمیراتی در

فضای سعديه و نیز حوض ماهی به وسیله سازمان میراث فرهنگی فارس انجام شده است. با توجه به اهمیت نقش سعدي در فرهنگ ایران اسلامی و ضرورت توجه ویژه به آرامگاه او و ساخت مرکز سعدي‌شناسی و دیگر نهادهای فرهنگی و پژوهشی از جمله کتابخانه تخصصی، موزه، کلاس‌های متن خوانی و سعدي‌شناسی طرح توسعه آرامگاه سعدي اینک در دستور کار استان و کشور است و امید است با همیاری همه متولیان به ویژه استانداری فارس، نمایندگان مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و شهرداری شیراز، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و سعدي دوستان و سعدي پژوهان این امر به سر منزل مقصود رسد.

بی‌شک، سعدي شیرازی، رب‌النوع ادب پارسی، یگانه‌ای است که سحر کلامش پس از گذر قرن‌ها، مخاطبانش را پیوسته مسحور می‌کند. بزرگی است که فرهیختگی و روشن‌نگری‌اش بر همگان هویدا است، آن‌هم به گاهی که پیش‌تازان علم و بینش روزگارش، نه تنها خود به درونمایه متعالی اندیشه‌های او دست نیافته بودند و از تسامح و تساهل ایرانی به گاه قرن هفتم هجری (سیزده میلادی) هیچ نمی‌دانستند، که خود، هم‌بدان‌گاه، به جنگ آوری‌هایی نه چندان خردمندانه، روزگار می‌گذرانیدند.

اگر چه زیبایی‌های کلامش را به قدر حظ خویش دریافته و از آن اندک سرمست شده‌ایم، اما به زبان و نواندیشی‌اش به گونه‌ای بایسته پرداخته‌ایم و تساهل و تحرکش را به نیکی درنیافته‌ایم و نیز فراخی‌ها و تنگناهای سخنش را به نیکی جستجو ننموده‌ام، راز و رمز حکایت‌پردازی‌هایش را، کیفیت تنزیه قدرت از دیدگاهش را و نیز مرثیه‌هایش را در چارچوب ارتباط زبانی آشکارا نمی‌دانیم و به فراست در نیافته‌ایم که در قرن‌ها پیش از این، در این سرزمین حکیمی می‌زیسته که پیام تجددخواهی‌اش در فراسوی اندیشه‌های دیگر روزگاران ره پیموده است و از این رهگذر به همزیستی و تساهل و تسامح اندیشیده

است، اما هنوز هم بدان‌باوریم که خوشه چینان خرمنش به قدر گرانسنگی شیخ، در این پویه، قلم نزده‌اند.

جای بسی تأسف است که در سال ۱۳۷۸ هیچ کتابی پیرامون زندگی و آثار شیخ منتشر نشده است و از میان ۲۳ عنوان کتاب چاپ اول و ۲۱ عنوان کتاب چاپ دوم با شمارگان ۲۰۸/۴۰۰ جلد بیش از ۱۸۰ هزار جلد آن تجدید چاپ بخش‌ها یا کلیات تصحیح استاد محمدعلی فروغی است که در سال ۱۳۱۹ برای اولین بار منتشرشد و امروز ۶۰ سال از آن روزگار می‌گذرد.

بایسته است که یاد او و یاد استاد غلامحسین یوسفی را که از برجسته پژوهندگان سعدی‌شناسی بودندگرمی بداریم و ضمن احترام به آثار ارزشمند آنان، با توجه به ویژگی‌های علمی و پژوهشی روزگار ماضوررت تدوین و تصحیح کلیات تازه و علمی از سعدی بزرگ را خاطر نشان کنیم و آمادگی مرکز سعدی‌شناسی را برای این امر اعلام داریم. امید است که با همدلی و یاری سعدی‌پژوهان معاصر این امر تحقق‌یابد تا بر اساس آن فرهنگ‌های لازم سعدی‌پژوهی سامان یابد.